

بسم الله الرحمن الرحيم

تأثير ولايت بر زندگي انسانها

آثار اجتماعي، تربيتي و سياسي تولي و تبري

مؤلف : علي نيكوئي

انتشارات ارسطو
(چاپ و نشر ايران)
۱۳۹۴

سرشناسه: نیکوئی، علی، ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدیدآور: تاثیر ولایت بر زندگی انسانها
مشخصات نشر: مشهد: ارسطو، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۲۲۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۵۸-۷۴-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر
یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل
دسترسی است
شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۱۵۷۲۷

نام کتاب: تاثیر ولایت بر زندگی انسانها
مؤلف: علی نیکوئی
ناشر: ارسطو (چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴
چاپ: مهتاب
قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۵۸-۷۴-۴
تلفن های مرکز پخش: ۰۹۱۷۷۳۷۵۱۸۰ - ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۰۵۱
www.chaponashr.ir

تقدیم به:

پیشگاه حضرت مولی الموحّدین، امیرالمؤمنین، سرور اولیاء الهی امام علی (علیه السلام) و
اولین مدافع ولایت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

و نیز پدر و مادر عزیزم که جرعه محبّت به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) را
به من نشانَدند. وهمسر عزیزم که در چاپ این کتاب مشوقم بودند.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: «مقدمه»

۱۲ تاریخچه
۱۳ معنا شناسی
۱۳ الف: «تولی»
۱۶ ب: «تبری»

فصل دوم: ولایت و برائت و شاخه‌های آن

۲۱ «مقدمه»
۲۲ ۱-۲ «ولایت الهی»
۲۴ ۱-۱-۲ «ولایت میان عامه مؤمنان»
۲۶ ۲-۱-۲ «ولایت خاصه»
۳۰ الف) «ولاء محبت یا قرابت
۳۲ ب) «ولاء امامت»

ج) «ولاء زعامت»	۳۴
د) «ولاء» تصرف یا «ولایت تکوینی»	۳۳
۳-۱-۲ دلایل نیاز به ولایت [خاصه]	۴۲
الف) «قاعده لطف»	۴۲
ب) «لولا حجه لساخت الارض بأهلها»	۴۴
ج) قرآن نیاز به مفسر و مبین دارد	۴۵
۲-۲ «ولایت طاغوت»	۴۷
۳-۲ «ولایت در قرآن»	۵۴
۴-۲ «برائت در قرآن»	۶۰
۵-۲ «ولایت در روایات»	۶۵
۶-۲ «برائت در روایات»	۶۷
۷-۲ «ولایت در عرفان»	۶۸
۸-۲ ولایت در اصطلاح «کلام»	۷۲
۹-۲ «ولایت در اصطلاح فقه»	۷۳
۱۰-۲ «رابطه ولایت با نبوت و امامت»	۷۶
نتیجه:	۸۱

فصل سوم: آثار اجتماعی «تولی و تبری»...

«مقدمه»	۸۴
۱-۳ «خدمت‌رسانی»	۸۷
«مصادیق خدمت‌رسانی در قرآن و روایات»	۸۸
«خدمت‌رسانی شرط «ولایت» خدا و اولیاء او»	۹۴

۹۵ «ولایت عامل خدمت‌رسانی»
۹۷ «آزادی» ۲-۳
۹۷ «آزادی در لغت»
۹۷ «آزادی در قرآن»
۹۸ تاریخچه آزادی
۹۹ انواع آزادی
۱۰۳ آزادی حقیقی در سایه رحمت الهی
۱۰۵ آزادی رسالت انبیاء و اولیاء الهی
۱۰۸ «کنترل و نظارت اجتماعی» ۳-۳
۱۰۸ «تعریف لغوی نظارت»
۱۰۸ تعریف اصطلاحی [جامعه‌شناسی]
۱۰۹ «ضرورت نظارت اجتماعی»
۱۱۳ «امر به معروف و نهی از منکر»
۱۱۳ «معروف و منکر»
۱۱۴ «امر به معروف و نهی از منکر از منظر فقها»
۱۱۶ «حسبه یا دایره نظارت اجتماعی»
۱۱۷ خاستگاه نظارت اجتماعی
۱۲۴ «تعاون و معاضدت» ۴-۳
۱۲۹ «ولایت» و «تعاون بر برّ و تقوی»
۱۳۲ «عزّت و سربلندی» ۵-۳
۱۳۲ «عزّت در لغت»
۱۳۳ «عزّت در قرآن»

۱۳۴ «سراب عزت»
۱۳۸ «عزت حقیقی»
۱۴۸ نتیجه بحث

فصل چهارم «آثار تربیتی تولی و تبری»

۱۵۰ مقدمه
۱۵۱ ۱-۴ «هدایت»
۱۵۹ ۲-۴ «آرامش روانی»
۱۶۵ «آرامش حتی هنگام مرگ»
۱۶۵ ۳-۴ «پویایی و تحرک»
۱۶۹ ۴-۴ «دست یافتن به الگوهای مناسب»
۱۷۱ نتیجه
۱۷۲ ۵-۴ «کسب فضایل اخلاقی»
۱۷۷ نتیجه

فصل پنجم: آثار سیاسی «تولی و تبری»

۱۸۰ «مقدمه»
۱۸۱ ۱-۵ «نفی حاکمیت طاغیت و ظالمان»
۱۸۹ «پذیرش حاکمیت طاغوت مایه حبط عمل می گردد»
۱۹۱ ۲-۵ «تنظیم روابط خارجی دولتها براساس عدل»
۱۹۹ ۳-۵ «وحدت مسلمین»
۲۰۷ ۴-۵ «جهاد و مبارزه»

- ۲۱۱ آیا جهاد مخالف انسان دوستی نیست؟
- ۲۱۵ نتیجه
- ۲۱۶ خلاصه و نتیجه گیری
- ۲۱۸ فهرست منابع

بسمه تعالی

(.....لااله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی قال
فلما مرت الراحله نادانا بشروطها وانا من شروطها...)^۱

پیشگفتار

شاید هیچ عبارتی به پرمحتوایی «لااله الا الله» یافت نشود؛ به تصویرکشیدن این کلمه در نگارخانه عمل مساوی است با تمام شریعت. اگرچه پذیرش دین اسلام با این کلمه، در بدو امر ساده به نظر می‌رسید و هرکس بنا بر فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که می‌فرمود: «قولوا لااله الا الله تفلحوا» با گفتن این عبارت مسلمان قلمداد می‌شد اما با نگاه به مفهوم و مسئولیتی که این گفتار برای انسان می‌آورد درمی‌یابیم که آنقدر هم ساده نیست.

اگر بخواهیم این کلمه طیبه را به زبان دیگر بگوییم و آنرا تفسیر و تبیین نماییم واژه‌های «تولّی و تبرّی» نمود دیگری از آن است و همانطور که بر زبان جاری نمودن «لااله الا الله» تمام زندگی انسان اعم از اعتقادی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فردی و ... را تحت تأثیر قرار می‌دهد و رنگ و جلوه ای دیگر می‌بخشد «تولّی و تبرّی» نیز چنین است و به همین علّت است که در روایات ما اساس و اصل دین و حتی کل دین معرفی شده است.

نکته دیگر آنکه اوامر و نواهی الهی خالی از حکمت نیست و اگر هر یک از فرائض حکمت خاص خود را دارد پس فرائض مهمتر که دین به آنها بیشتر بها داده است حتما دارای فلسفه و حکمتی والاترند. در بسیاری از احادیث «ولایت» را بر سایر فرائض برتری داده‌اند و این خود محرک آن است که علّت را دریابیم تا انگیزه بیشتری در امتثال امر حاصل شود.

باتوجه به اهمّیت مسئله و نیز برای دست‌یافتن به زیرساختهای سیاسی و اجتماعی و

۱. صدوق، عیون الاخبار ج ۲ ص ۲۴۴

تربیتی و ... در اسلام و تأثیری که این زیرساختها در ابعاد مختلف زندگی افراد و جوامع دینی می‌گذارند یا باید بگذارند به بررسی این مسئله می‌پردازیم.

این کتاب در پنج فصل تنظیم شده است:

فصل اول : مقدمه

فصل دوم: ولایت ویرائت و شاخه های آن

فصل سوم: آثار اجتماعی تولی و تبری

فصل چهارم: آثار تربیتی تولی و تبری

فصل پنجم : آثار سیاسی تولی و تبری

فصل اول:

مقدمه

تاریخچه

«ولایت» واژه‌ای است که در علوم اسلامی به معنای مختلف استعمال شده است. و علوم فقه، عرفان و کلام، هر کدام با توجه به معنای ملحوظ‌شده در آن علم به آن پرداخته‌اند، بنابراین در خلال کتب معتبر پیرامون این علوم، می‌توان از «ولایت» جستجو کرد و کتابی نیست که جامع در این علوم نگاشته شده باشد اما از این مبحث خالی باشد. اما «ولایت» به عنوان یک موضوع قرآنی نیز مطرح است. و هر موضوع قرآنی پیشینه‌ای در کتب تفسیر ترتیبی دارد، موضوع مورد بحث ما نیز از این قاعده مستثنی نیست مفسران در ذیل آیات مرتبط با «ولایت و برائت» مباحثی را متناسب با روش تفسیر ترتیبی قرآن مطرح نموده‌اند. اما با اهتمام اخیر مفسران به تفسیر موضوعی، موضوع «ولایت» نیز از دیده تیزبین ایشان فرو نمانده است. کتبی که در مورد «ولایت» به صورت تفسیر موضوعی نگاشته شده است عبارتند از:

۱- ولایت در قرآن، از آیه الله جوادی آملی

۲- آیات الولایة، از آیه الله مکارم شیرازی

۳- پیام قرآن، جلد ۹، از آیه الله مکارم شیرازی

۴- ولاء و ولایتها، از شهید مرتضی مطهری

مبحث «تولّی و تبرّی» نیز به عنوان یکی از فروع دین در ذیل آیات مربوط به «ولایت و برائت» همواره مورد بررسی قرار گرفته است. اما باید گفت تا کنون کتابی با عنوان «تولّی و تبرّی» نوشته نشده است به جز کتاب «تولّی و تبرّی» نوشته عباسعلی اختری که آن هم بسیار تحت تأثیر کتاب «جاذبه و دافعه امام علی(ع)» نوشته شهید مطهری قرار گرفته است. لازم به ذکر است که اکثر مفسرین ذیل آیات «ولایت و برائت»، یا به اصل موضوع «ولایت» و اثبات آن پرداخته‌اند یا به بیان آثار اخروی آن اکتفا نموده‌اند و کمتر مفسری با نگرشی اجتماعی به آثار دنیوی این مهم پرداخته است. و ویژگی این پژوهش این است که تأثیر «تولّی و تبرّی» را در زندگی روزمره انسان بیان می‌کند و برکات حاصل از پذیرش «ولایت» الهی را در این دنیا در بُعد اجتماعی، تربیتی و سیاسی به منصفه ظهور می‌گذارد.

معنا شناسی :

در این قسمت به بررسی لغوی و اصطلاحی «تولّی و تبرّی» می‌پردازیم:

الف: «تولّی»

واژه «تولّی» مصدر باب تفعّل و از ریشه «ولی» مشتق شده است، راغب می‌گوید: «ولاء» و «تولّی» آن است که دو چیز آنچنان باشند که بین آن دو چیز دیگری فاصله نباشد و به طور استعاره در نزدیکی بکار می‌رود خواه مکانی باشد یا نسبی یا دینی یا دوستی و یاری کردن و یا در اعتقاد و ایمان.^(۱)

«مقایس اللغه» نیز اصل «ولی» را از «قرب» دانسته و تعابیر دیگر را برخاسته از همین مسئله قرب دانسته است.^(۲)

در زبان عبری به صورت «لاواه» [Lavah] در معنی پیوستن و پیوسته‌بودن بکار رفته

۱. راغب، مفردات، ص ۵۷۲-۵۷۰.

۲. ابن فارس، مقایس اللغه، ج ۶، ص ۱۴۲-۱۴۱.

است. در عبری جدید به شکل «لواه» [Levh]، در آرامی «لوی» [Lavi] و در سریانی «لوا» [Lwa] آمده است که معنی همراهی را دربرداشته است.^(۱) همانطور که می‌بینیم این ریشه؛ کاربردی دیرینه داشته است.

استفاده از مشتقات «ولی» ابتدا در امور مادی بوده است مثل «ولیّه» به معنی پالان^(۲) یا عرق‌گیری که در زیر پالان نهاده می‌شود^(۳) و نیز عرب به بارانی که بلافاصله بعد از اولین باران بهاری می‌بارید «ولی» اطلاق می‌کرد.^(۴)

از آنجایی که «ولایت» جدای از هم‌ریشه‌بودن با «تولی»؛ از لحاظ معنوی و اصطلاحی نیز رابطه تنگاتنگی دارد لذا بررسی این واژه نیز خالی از لطف نیست.

آنچه از کتب لغت برمی‌آید حاکی از این است که تعبیر «ولایت» نیز در ابتدا در معنای «قربت و نزدیکی» استعمال می‌شد، بعد کم‌کم با توجه به سنخیت در معانی همچون سرپرست و اداره‌کننده امر،^(۵) یاری‌کننده،^(۶) دوست^(۷) مهربان و نزدیک^(۸) بکار رفته است. نکته دیگری که قابل تذکر است فرقی است که لغویین بین «ولایت» به فتح «واو» و «ولایت» به کسر «واو» قائل شده‌اند می‌باشد راغب می‌گوید:

«ولایت به کسر «واو» به معنی نصرت است و اما «ولایت» به فتح «واو» به معنی تصدی و صاحب‌اختیاری یک کار است، و گفته شده است که معنی هر دو یکی است و حقیقت آن همان تصدی و صاحب‌اختیاری است»^(۹)

۱. مشکور، محمدجواد، فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی، ج ۲، ص ۹۹۳.

۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۳، ص ۱۹۸۴.

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰.

۴. همان.

۵. قرشی، سیدعلی‌اکبر، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۲۵۰.

۶. ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۴۱.

۷. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰۰.

۸. صفی‌پور، عبد الرحیم بن عبدالکریم، منتهی الارب فی لغة العرب، ج ۴، ص ۱۳۳۹.

۹. راغب، مفردات، ص ۵۷۲.

حضرت آیه الله جوادی آملی در این خصوص می‌نویسد:

«ولایت که یک امر اضافی است، اگر با تأثیر و تأثر متقابل همراه بود، جزء اضافه‌های متوافقه - الاطراف است که طرفین ولیّ یکدیگرند ولی اگر تأثیر و تأثر یک‌جانبه بود، از یک طرف «ولایت» است و از طرف دیگر مولیّ علیه شدن. «ولایت» در اینگونه از موارد با فتح «او» خوانده می‌شود و از کسی که ولی است به عنوان والی یاد می‌شود. چون ولیّ، هم به معنای والی است و هم به معنای مولی علیه، مولا هم اینچنین است. اما والی در خصوص سرپرست استعمال می‌شود و به کسی اطلاق می‌شود که دارای «ولایت» به فتح «او» است؛ «هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقُّ»^(۱) خدا والی است، و ولایت از آن خداست که سرپرست است. پس اگر این تأثیر و تأثر، متقابل بود، موالات طرفینی است، و اگر یکجانبه بود آنجا سخن از «ولایت» به فتح «او» است، نه ولایت به کسر «او» و در این صورت یکی والی است و دیگر مولی علیه»^(۲)

نتیجه آنکه «ولایت» در اصل به معنای «قرب» بوده آن هم مسلماً قرب مادی که بعد از باب تشبیه معقول به محسوس در امور معنوی نیز بکار رفته است و معانی دیگری که همچون نصرت، دوستی، سرپرستی و ... برای این واژه ذکر شده همه به نحوی به همین معنا برگشت دارد و «تولی» یعنی پذیراشدن «ولایت».

گاه احساس می‌شود که «تولی» در معانی به ظاهر متضاد به کار رفته است؛ مثلاً «ولیّ الرجل»^(۳) یعنی مرد روی گرداند و پشت کرد یا عبارت «اولی لک» که برای تهدید و وعید در مورد عقاب بکار می‌رود^(۴) از این جمله است. اما حتی در این موارد نیز مفهوم قرب در آن نهفته است به عنوان نمونه لغویان در توضیح مفهوم «اولی» آورده‌اند که: «شر و آنچه

۱. کهف/ ۴۴؛

۲. جوادی آملی، عبدالله، ولایت در قرآن، ص ۵۱.

۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، العين، ج ۳، ص ۱۹۸۴.

۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵ ص ۴۰۴ و نیز راغب، مفردات، ص ۵۷۱.

مایه هلاکت است به او نزدیک شد»^(۱) و یا هنگامی که در معنای اعراض و روی گرداندن بکار می‌رود و در واقع از یکسوی روی می‌گرداند، و آن را در پشت خود قرار می‌دهد و در مقابل به سوی دیگر نزدیک می‌شود. پس تولی در دو مفهوم کاملاً متفاوت بکار می‌رود. ولی برگشت به یک معنا دارد.

راغب معتقد است که «تولی» اگر به صورت ظاهری یا تقدیری با «عن» متعدی شود، به معنی اعراض و روی گرداندن است و اگر به خودی خود متعدی باشد به معنای «ولایت» و پذیرش آن می‌باشد و حقیقت معنی ولایت؛ تولی امر و بر عهده گرفتن و سرپرستی آن می‌باشد و البته هم در معنای فاعلی و هم مفعولی بکار می‌رود.^(۲)

ب: «تبری»

«تبری» مصدر باب تفعّل و از ریشه «برأ» می‌باشد در قاموس‌های عربی دو معنا در مقابل این واژه ذکر کرده‌اند:

۱- «أحدهما الخلق يقال برأ الله الخلق يبرؤهم برأاً»^(۳) معنای اول آن همان «خلق کردن» و «آفرینش» است. لفظ «الباری» از اسماء الهی از «برء» به معنای آفرینش مشتق شده است. البته ظاهراً واژه «برأ» در معنای خلق کردن و آفریدن از زبانهای کهن تر وارد زبان عربی شده است^(۴) و لفظ «باری» که مشتق از «برء» است در قرآن کریم به معنای «آفریننده» آمده است:

«وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»^(۵)

۱. همو.

۲. راغب، مفردات، ص ۵۷۲-۵۷۱.

۳. ترجمه: «یکی از آن دو آفریدن است گفته می‌شود خداوند مخلوقات را آفرید، می‌آفریند ایشان را آفریدنی»؛ ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۲۳۶.

۴. جفری، آرتور، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ص ۱۳۷.

۵. بقره، ۵۴.

«و هنگامی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من شما با پرستش گوساله، بر خود ظلم نمودید پس به بارگاه آفریننده خود توبه نمایید و نفوستان را بکشید که این کار نزد آفریدگارتان بهتر است پس [خدا] توبه شما را پذیرفت که او توبه‌پذیر و مهربان است.»

«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ»^(۱)

«هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفسهای شما [= به شما] نرسد، مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم، در کتابی است. این [کار] بر خدا آسان است.»

و «باری» از اوصاف مخصوص خداست:^(۲)

«هُوَ اللَّهُ الْبَارِيءُ الْمُصَوِّرُ وَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»^(۳)

اوست خدای خالق نوساز صورتگر [که] بهترین نامها و [صفات] از آن اوست.

برخی نیز بر این باروند که «برء» غالباً در مورد «آفرینش حیوان» بکار می‌رود؛^(۴)

«برء الله نسمة و خلق السموات و الارض»:

«خداوند حیوانات را آفرید و آسمانها و زمین را پدید آورد»

۲- و الأصل الآخر: «التباعد من الشی و مزایلتُهُ»^(۵) رهایی از هر چیزی که مجاورتش

اکراه‌آور است^(۶) رهایی و خلاص شدن از امری نامیمون، به عنوان مثال نجات از بیماری و

۱. حدید/ ۲۲.

۲. راغب، مفردات، ص ۳۸.

۳. حشر/ ۲۴.

۴. الشر تونی، سعید، اقرب الموارد، ص ۳۵.

۵. ابن فارس، معجم المقاییس اللغه، ج ۱، ص ۲۳۶.

۶. راغب، مفردات، ص ۳۸.

عاقبت^(۱) از درد مزمن را با «برء من المرض» تعبیر می‌کنند وقتی گفته می‌شود «برأت من فلان» یعنی از شر فلانی نجات یافت. «برء» در این معنا عبارت است از رهایی از شر امر مضرّ و یا هر آنچه مصاحبت و مجاورتش موجب ناخشنودی است، پرواضح است که رهایی مسبوق به قرابت و مصاحبت است.^(۲) بنابراین در فرهنگ قرآن «تبری» به معنای کناره‌کشی و بیزاری از هر چیز است که مجاروت با آن مورد کراهت است:^(۳) «بِرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^(۴)

«[این آیات] اعلام بیزاری [و عدم تعهد] است از طرف خدا و پیامبرش نسبت به مشرکانی که با ایشان پیمان بسته‌اید.»

«... فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ»^(۵)

«ولی هنگامی که برای او روشن شد که وی [عمویش] دشمن خداست از او بیزاری جست راستی ابراهیم، دلسوزی بردبار بود.»

در این کتاب مُراد از «تبری» همین معنای دوّم است منتهی با لحاظ نمودن تطوری که این واژه در فرهنگ قرآن پیدا کرده است. آنچه که کاوش در سیر تطور این لغت آشکار می‌سازد این است که لفظ «تبرء» در مورد فردی به کار می‌رفته که قبیله - در ایّام جهالت - او را به علّت تمرد از قوانین قبیله‌ای طرد می‌کردند چرا که تمرد چنین فردی باعث اختلاف درون قبیله‌ای و برون قبیله‌ای می‌شده و رؤسای قبایل برای جلوگیری از این اختلافات و رهایی از شرّ اینگونه افراد، ایشان را طرد می‌نمودند و آشکارا عدم حمایت خود را اعلام می‌نمودند. بنابراین «تبرء» در نظام قبیله‌ای عرب جاهلی به لحاظ حفظ وحدت قبیله و

۱. ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۲۳۶

۲. ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۲۳۶.

۳. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان [ذیل اولین آیه توبه] ج ۷، ص ۱۵۰.

۴. توبه / ۱.

۵. توبه / ۱۱۴.

جلوگیری از جنگهای بیهوده بین قبیله‌ای امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری است.^(۱) و به همین دلیل جایگاه مهمی داشته است.

نتیجه: «برائت» در فرهنگ قرآن یعنی بیزاری‌جستن از مشرکین و مخالفین دین اسلام و «تبری» مصدر تفاعل از ماده «برائت» به معنی؛ دوری، بیزارکردن، بیزاری، بیزاری از چیزی می‌باشد.^(۲) و «تولی و تبری» عبارت از این است که انسان از لحاظ عاطفی قلب خود را از محبت و علاقه خدا، پیامبران و ائمه معصومین و جانشینان بحق آنها - فقها - و مؤمنین پر کند و در عین حال بغض و کینه دشمنان آنها را بدل گیرد، و از لحاظ سیاسی و اجتماعی سرپرستی رهبری و دوستی حکومت الهی را بپذیرد و از حکومت اعداء الله و دشمنان اسلام دوری جوید.^(۳)

۱. در مباحث آینده بیان می‌کنیم که یکی از آثار تبری، نیز به معنای اصطلاحی آن حفظ وحدت پیروان ولایت است.

۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، ج ۳، ص ۴۴۹۸.

۳. شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام [اصول سیاست خارجی اسلام]، ص ۵۲۰.

فصل دوم:

ولایت و برائت و شاخه‌های آن